

**عنوان مقاله:** ساکنان مکه

(تاملی بر چگونگی سکونت قبایل مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام)

**نویسنده:** مصطفی پیرمردیان، مهدی عزتی

**منبع:** فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال پنجم بهار ۱۳۹۳ - شماره ۲۴

صص ۱۱۱-۱۴۲

## چکیده

- مکه به دلیل وجود کعبه و جایگاه بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) باعث علقه های دینی و جاذبه های احترام آمیزی است که کمتر اجازه واقع بینی می دهد، تا اذعان شود مکه قبل از ظهور اسلام بر خلاف تصور مرکز زندگی شهری و دارای مردمانی یک جا نشین نبوده، بلکه مرکزی زیارتی - تجاری بوده که عمدتاً جاذبه های زیارتی و اقتصادی آن موجب استقرار و اسکان قبایل و عشایر در آن جا گردیده است.

**جاذبه های زیارتی و اقتصادی**

• از سویی، همین نگاه قداست آمیز سبب شده تا در برآورد میزان جمعیت مکه در دوره بعثت پیامبر (ص) و به تبع آن در وقایع صدر اسلام آمار و ارقام اغراق آمیزی ارائه شود. برای روشن تر شدن بحث در این تحقیق چگونگی و نحوه سکونت قبایل مکه در دوره قبل و بعد از تسلط قریش بر مکه میزان جمعیت مکه در آستانه ظهور اسلام، شناخت و تفکیک تیره ها و بطون قریش و جایگاه و اهمیت آنها به ویژه از لحاظ شمار و ترکیب جمعیتی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

**دوره قبل و بعد از تسلط قریش بر مکه**

## واژگان کلیدی:

- مکہ، سکونت، قبایل مکہ، قریش، بطحاء، قریش ظواھر

## طرح مساله

- بی شک شناخت دقیق حوادث صدر اسلام و تحلیل وقایع آن بدون واکاوی پدیده ها و جریان های دوره قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب میسر نمی باشد. در این میان مکه به عنوان مرکز جزیره العرب و پایگاه ظهور اسلام جایگاه ویژه و ممتازی دارا بوده و از این رو شایسته است تا با نگاهی موشکافانه تر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. شناخت خصوصیات و ویژگی های طبیعی مکه و چگونگی استقرار نخستین ساکنان آنجا از دیرباز مورد توجه عالمان ومورخان اسلام بوده است.

**چگونگی استقرار نخستین ساکنان آنجا**

• اما نحوه سکونت عالمان قریش و نقش، جایگاه و موقعیت آنها در مکه از موضوعات بسیار حایز اهمیت و تاثیر گذاری است که کمتر بدان توجه گردیده است. در این پژوهش، تلاش شده با بهره گیری از منابع اصلی انساب برآورد و تخمینی نزدیک به واقع از جمعیت قریش و به طور کلی ساکنان مکه ارائه شود و بر اساس آمار به تحلیل موقعیت و جایگاه خاندان قریش قبل از بعثت پیامبر پردازیم.

منابع اصلی  
انساب

سوالاتی که این تحقیق در پی پاسخ به آنها است.  
عبارتند از:



## نحوه سکونت قبایل مکه قبل از ظهور اسلام چگونه بوده است؟

- فرضیه به نظر می‌رسد قبل از قصی بن کلاب در مکه و حتی در میان دره اصلی (بطحاء) سکونت دائمی وجود نداشت و هر گروه و قبیله در گوشه و کناری از وادی به شکل پراکنده و غیر متداخل (وبری) زندگی می‌کردند آیا می‌توان با توجه به منابع انساب تخمین و برآوردی از جمعیت ساکنان مکه را در زمان بعثت پیامبر (ص) ارائه کرد؟

قصی بن کلاب



● **فرضیه:** گرچه تخمین و برآورد جمعیت مکیان در آستانه ظهور اسلام کاری بس مشکل و پیچیده است ولی با مقایسه کتب انساب و تحلیل داده ها و نیز توجه به عواملی که در میزان جمعیت مکه تاثیرگذار بوده می توان گفت میزان جمعیت مکه بسیار کمتر از تصور عموم مورخان بوده است.

● در این جستار و برای نیل به اهداف پیش گفته تلاش گردیده بر اساس منابع اصلی به خصوص کتب مهم انساب، شناخت دقیق تری از جامعه مکه و ساکنان آن در دوره قبل از ظهور اسلام انجام پذیرد روش تحقیق در این مطالعه کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی است. به ویژه در مورد جمعیت بطون قریش، از تحلیل آماری و جمعیت شناختی استفاده شده است.

• برای این منظور ابتدا موقعیت مکه و ویژگی های طبیعی و اقلیمی این سرزمین که تاثیر مستقیمی و میزان جمعیت مکه و نحوه زندگی آنان داشته مورد مطالعه قرار گرفته است. سپس نحوه استقرار ساکنان اولیه مکه را تشریح کرده ایم، در بخش بعدی وضعیت قریش و چگونگی سکونتشان در ناحیه بطحاء و تمایز آنان از قریش ظواهر را توضیح داده در پایان با بهره گیری از اطلاعات منابع نسب شناسی، تلاش شده برآورد و تخمینی از جمعیت قریش و ساکنان مکه ارائه دهیم.

اطلاعات منابع نسب شناسی

## ۱- موقعیت و جغرافیای مکه

- اگر چه برخی از مورخان عرب مکه را جزء سرزمین تهمامه در نظر گرفته اند، بیشتر آنها مکه را در زمره شهرهای حجاز قرار داده اند. این شهر در عرض ۲۷° ۲۱' در طول ۴۹° ۲۹' جغرافیایی واقع شده و در میان دو رشته تپه های موازی محدود و حصار شده است. در شرق آن کوه ابوقبیس امتداد دارد و از سوی غرب کوه قُمیقَعان آن را محدود می کند. کعبه در درون دره ای معروف به «بطحا، یا بطن مکه» واقع شده و از هر طرف کوه ها چنان بر مکه مشرف اند که گویی همانند دایره ای مکه را در میان گرفته اند..

• مناطقی که به طور نسبی از سطح مکه پست تر است «**بطحاء**» نامیده می شد به گفته فاکهی محدوده بطحاء بین دار ابن برمک تا سوق ساعت بوده است. مناطق پایین تر از کعبه و مسجدالحرام را «سَفَلَه» می گفتند و مناطقی که بالاتر از حرم قرار داشت «مَعْلَاء» خوانده می شد. در واقع بطحاء شامل سرزمین لم یزرع و بی حاصل بود که اطراف کعبه و حرم را در بر می گرفت. در داخل سرزمین بطحاء دره هایی وجود داشت که هر کدام را «شعب» می گفتند و معمولاً به نام خاندان های قریش معروف بود مانند شعب بنی هاشم، شعب ابن عامر، شعب ابن زبیر و ... مناطق خارج از بطحاء و دورتر که در اطراف مکه واقع بود «ظواهر» نامیده می شد

**شعب بنی هاشم، شعب ابن عامر، شعب ابن زبیر**

- علاوه بر کوه های بزرگ و مشهور ابوقبیس و قعیقعان، کوه های فاصح، محصب، ثور، حجون، سقر، ثبیر، تقاحه، مطابح و فلق نیز در مکه وجود دارد.

## مکه دارای نام های متعددی است و برخی از آنها در قرآن کریم آمده است. از جمله :



- بکه (در آیه ۹۶ و ۹۷ آل عمران) ام القراء (۷/ شوری، ۶۲/ انعام)، بلد امین (۳/ تین) و بلد (۱-۲ / بلد) در مورد این نام ها تفاسیر مختلفی ذکر شده است. اما نکته جالب توجه این است که قرآن کریم از مکه به عنوان بلد و یا ام القراء یاد کرده نه با عنوان مدینه بلد ناحیه ای بزرگتر از قریه به شمار می رفته است .

- قرآن از مکه آن زمان که سرزمینی بی آب و علف بوده و ابراهیم (ص) برای اولین بار به آن جا وارد می شود با عنوان «بلد» یاد کرده (ابراهیم / ۳۵) و حتی آن گاه که سرزمین مسکونی یا جمعیتی از بطون قریش و دیگر قبایل در زمان بعثت پیامبر (ص) است باز هم از کلمه «البلد» برای معرفی آنجا بهره می جوید (بلد/۵-۱) بنابر قول ابن عباس اشاره قرآن به ام القرای بودن مکه به دلیل مقام و شان بزرگ آن بوده که **قبله تمام امت است**.

- مکه در دشت لم یزرعی واقع شده بود. ویژگی عمده آب و هوای مکه شدت گرمای آن بوده است. مقدسی در قرن چهارم هجری هوای مکه را چنین توصیف می کند «هوای حرم بسیار گرم و بادش کشنده است و مگس در آن فزون {از} اندازه»



• نتیجه چنین وضعیتی شیوع بیماری های واگیر مانند وبا، آبله، صحره و ... بود گفته شده است در سال های اولیه تولد پیامبر (ص) بیماری وبا و ابله در مکه و مدینه شیوع یافته و بنا بر همین روایت حلیمه سعیده از بیم وبایی که در مکه شیوع یافته بود از مادر پیامبر خواست تا فرزندش را به وی بسپارد، زیرا سرزمین وی از مکه دورتر بود. گرمای طاقت فرسا عامل مهمی در کمی جمعیت مکه و رغبت مردمان برای سکونت در آنجا بوده است . به گفته ابن فقیه همدانی، پیامبر(ص) برای جلب توجه مسلمانان برای اقامت در طراف مکه فرموده است : «هر کس در مقابل گرمای مکه صبوری پیشه کند، دوزخ به اندازه ۱۰۰ سال از او دور می شود و بهشت به اندازه ۲۰۰ سال راه به او نزدیک»

حلیمه سعیده

- در فصل پاییز مکه در برهه هایی در معرض سیل های ویرانگری قرار می گرفت سیل بعنوان خطر بزرگی ، آبادانی و ساکنان مکه را مورد تهدید قرار می داد. برخی از این سیل ها چنان بزرگ و ویران گر بوده اند که در تاریخ ثبت نشده اند یکی از قدیمی ترین آنها در روزگار جرحمیان رخ داده است که منجر به ویرانی بیت الحرام گردید و دیگری سیلی بود که در زمان خزاعه در مکه جاری شد و به سیل «قاره» معروف است.



خزاعه

• علی رغم وقوع این سیل های متفاوت مکه به طور کلی سرزمینی بود که آبد در آن کمیاب بود و مردم آنجا همیشه از کم آلی در رنج و رحمت بودند به گفته استخری «در تمام مکه آب روان نیست مگر اندکی» برخی نیز گفته اند به سبب کمبود آب بوده است که اسم مکه از مک به معنی مکیدن مشتق شده است.

• بنا بر گزارش ایرانی، آب در مکه کمیاب بود و مردم از چاه هایی که در خارج از حرم قرار داشت آب می نوشیدند و از چاه کر آدم در معجر و چاه خم، که از آن بنی مخزوم بود، آب بر می داشتند و آب را به وسیله توشه نان و مشک عمل می کردند و سپس در صحن کعبه به حوض هایی که از پوست ساخته شده بود، می ریختند و حاجیان جهت آب برداشتن به آن جا می آمدند. اصطخری می نویسد آب های ایشان (مکیان) از باران می باشد و آب های چاه آن موضع را نمی شاید خوردن در نهج البلاغه عبارتی از حضرت علی (ع) هست که این گفته ها را تایید می کند ان الله بعث محمدا...انتم معسر العرب...تشربون الكدر و تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ....

بنی مخزوم

## ۲- شیوه سکونت مکیان از آغاز تا روزگار قصی بن کلاب

- بنابر برخی از روایات عمالقه نخستین کسانی بودند که با مشاهده آب در مکه وارد این واحه شدند و در آن جا سکونت گزیدند. بر اساس همین روایات نخستین همسر حضرت اسماعیل که بعد ها به سفارش حضرت ابراهیم (ع) او را طلاق داد، از عمالقه بود. برخی روایات دیگر، قبیله جرهم را نخستین قبیله عربی می دانند که در مکه سکونت گزیده‌اند و اسماعیل در میان آنها بود و با دختر مضا بن عمرو جرهمی ازدواج کرد.

مضا بن عمرو جرهمی

- بر طبق روایات بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) در سومین سفرش از فلسطین به مکه و به دستور خداوند متعال انجام گرفته است. هر چند برخی از روایات، طبق گزارشی داستان گونه بنای کعبه را به حضرت آدم (ع) و یا شیث بن آدم نسبت داده اند.

حضرت آدم (ع) و یا شیث بن آدم



## • زندگی اسماعیل در مکه توام با افسانه توصیف شده

**است** و در مورد فرزندان اسماعیل و اسامی آنها گزارش های متفاوتی است. ازرقی گوید: اسماعیل در مکه صد و سی سال عمر کرده و چون در حجر در کنار مادرش باقی شده است. پس از رحلت اسماعیل، نابت و یا به روایت دیگر فیدار پسر اسماعیل عهده دار سرپرستی امور کعبه شد. برخی از فرزندان اسماعیل برای جست و جوی آب و زمین از مکه خارج شدند و برخی که کم سن و سال تر بودند در کنار حرم باقی ماندند. پس از درگذشت نابت مضاض بن عمرو جرهمی پدر بزرگش مادری نابت سرپرستی امور مکه را در دست گرفت. در این زمان به نظر می رسد

- علاوه بر فرزندان اسماعیل و قبیله جرهم، قبیله قطورا که از عمالقه بودند، نیز در مکه حضور داشتند، زیرا طبق روایات مضا بن عمرو جرهمی، در جدال و ستیزی که با عمالقه داشت توانست با شکست دادن آنها، عمالقه را از مکه بیرون براند. بنابر گفته ازرقی جرهمیان در منطقه بالای مکه (معلات) و کنار کوه قمیفغان ساکن بودند و قطورا (عمالقه) در منطقه پایین مکه (مسقلبه اجیاد) اسکان داشتند



• ازرقی در گزارشی دیگر به نقل از ابن اسحاق می نویسد: “...و چون سرزمین مکه برای ایشان (فرزندان اسماعیل و جرهمی ها) تنگ شد در اطراف پراکنده شدند و برای امرار معاش به نقاط مختلف رفتند” تاریخ فرزندان در مکه از مرگ نابت تا عدنان بسیار آشفته است. نسب شناسان در باب تعداد فرزندان میان عدنان و اسماعیل اختلاف نظر بسیاری داشتند. حتی تاریخ زندگی عدنان نیز آشفته و آمیخته به افسانه و اسطوره است. (پیرمادیان و عزتی، ۱۳۹۲)

## تعداد فرزندان میان عدنان و اسماعیل

- به دلیل همین ابهامات است که اکثر نسب شناسان به پیروی از حدیثی از پیامبر (ص) که فرمود: «در باب نسب من تا عدنان بیشتر نروید و چون به او رسیدید، توقف کنید، زیرا نسابون دروغ گفته اند». سلسله انساب پیامبر را بعد از عدنان آغاز می کنند. بنابر اخبار و روایات سعد پسر عدنان که پس از حمله بخت النصر به عربستان به فلسطین فرار کرده بود.

حمله بخت النصر

• پس از با خبر شدن از مرگ بخت النصر به عربستان به فلسطین فرار کرده بود، پس از با خبر شدن از مرگ بخت النصر همراه پیامبران بنی اسرائیل ارمیا و برخیا به مکه بازگشت و در آنجا بنی اعمام خویش را پیدا کرد. بعد در مکه با معانه دختر جوشم بن جلهمه جرهمی ازدواج کر که از این وصلت نزار به دنیا آمد. عدنان پسر دیگری به نام عک داشت و بنا بر روایات پس از مرگ عدنان اسماعیلیان به دو شاخه بزرگ معد و عک تقسیم شدند، قبایل عک که در جنوب سرزمین معد بودند به یمن رفتند و به یمنی ها پیوستند.

**دو شاخه بزرگ معد و عک**



ابن خلدون

• اما نزار بن معد، که رسول خدا (ص) از ان تیره است در مکه باقی ماند و چهار پسر دیگر از وی بر جای ماند، مضر، اباد، ربیعہ، انمار برخی نوشته اند که فرزندان خالص و مهم اسماعیل مضر و ربیعہ هستند. بنابر گزارش ابن خلدون بنی مضر بن نزار ریاست حرم را به عهده گرفتند و بنی آیاد به عراق رفتن و انمار با فرزندان خود خثتم و بحیله راهی سروات شدند و در کنار چاه های باقه فرود آمدند. مضر دو پسر به نام های الیاس و عیلان داشت که پیامبر (ص) از شاخه فرزندان الیاس است.

- بنابر برخی از روایات، جرهمیان پس از پراکندگی فرزندان اسماعیل و اخراج عمالقه از مکه، ریاست و سرپرستی امور مکه را به مدت سیصد سال در انحصار خود داشتند. در این مدت برخی از فرزندان و اخلاف عدنان با دایی زادگان خویش (جرهمیان) در مکه به سر می بردند و از احترام و حرمت نزد جرهمیان برخوردار بودند.

سیصد سال

• به موجب برخی دیگر از روایات جرهمیان در مکه به همان عهد مضاض بن عمرو پس از درگذشت نابت محدود می شود و با بالغ شدن فرزندان است. اسماعیلیان ریاست و رهبری مکه را دوباره به دست گرفتند. علی رغم ای دو گزارش متفاوت ریاست مکه در دست هر کدام از دو قبیله مذکور بوده از شواهد و فرش چنین بر می آید که بعد از مرگ اسماعیل، فرزندان او متولی امور کعبه و خانه خدا بودند و این امر تا روزگار ثعلبه بن ایاد بن نزار همچنان ادامه داشته است. از این هنگام به بعد است که سروری و ریاست مکه از جرهمیان با اسماعیلیان به شاخه ای از قبایل یمن یعنی خزاعه انتقال پیدا کرده و امور کعبه و بیت الحرام نیز منحصرأ در اختیار آنها قرار گیرد.

**مضاض بن عمرو**

## فرزندان اسماعیل و عدنان



- بنابراین سرپرستی امور کعبه توسط خزاعه تا روزگار قصی بن کلاب از اختیار فرزندان اسماعیل و عدنان خارج می شود.
- در منابع در مورد چگونگی غلبه خزاعه بر مکه گزارش های متفاوت و آمیخته به افسانه آمده است. بنابر گزارش ازرقی که مقبول تر و تا حدودی درست تر به نظر می رسد، جرهمیان در مکه مرتکب گناهان بزرگی شدند و حرمت حرم را شکسته و در آن جا به فساد رو آوردند. مضاض بن عمرو جرهمی، آنها را پند و نصیحت کرد که در حرم خدا فساد نکنند ولی اندرزهای وی نتیجه نداشت در این هنگام تیره ای از مهاجران یعنی از فرزندان عمر بن عامر، که **از طریق یک پیشگویی** از خرابی قریب الوقوع سد مارب آگاه شده بودند به مکه رسیدند.

• و چون جرهمیان مکه در مقابل درخواست سکونت ایشان در مکه مقاومت کردند، به جنگ با جرهمیان پرداخته و توانستند آنها را شکست داده و از مکه بیرون رانند مضاف جرهمی چون مطابق پیش بینی خود شکست قبیله خویش را دریافته بود. شمشیرها و آهن زرین متعلق به خانه خدا را در کنار زمزم دفن کرد و همراه خانواده اش مکه را ترک و به سوی یمن عازم شد.

مضاف جرهمی



- مطابق همین گزارش از آن پس قبیله خزاعه به رهبری ربیعہ بن حارثہ بن عمرو بن عامر کہ بہ لَحی نیز شهرت داشت سرپرستی امور مکه و برده داری کعبه را عہدہ دار شد نوادگان اسماعیل کہ از جنگ میان خزاعه و جرہمیان کنار گرفتہ بودند از بنی خزاعه کہ در جوار آنها در مکه و اطراف آنجا بمانند و در این مدت کسی متعرض بہ اسماعیلیان نمی شد

## جنگ میان خزاعه و جرہمیان

• طبق روایت دیگر، قبیله خزاعه پس از مهاجرت به مکه و تحت ریاست جرهمی ها مستقر شدند اما با گذشت زمان، جرهمیان به فساد و تباهی رو آوردند و حرام ها را حلال می شماردند و بر کسانی که وارد مکه می شدند ظلم و ستم روا می داشتند. به همین دلیل خزاعیان تصمیم گرفتند با یاری و کمک بنوبکر بن عبدمناف بن کتانه با جرهمیان برخیزند و بدین ترتیب در جنگی که میان طرفین روی داد جرهمی ها شکست خوردند و از مکه خارج شدند.

تحت ریاست جرهمی ها

• تولیت و سرپرستی خزاعه در مکه یا زعامت ربیعہ بن حارثہ (لحی) آغاز شد و پس از وی شیوخیت قبیلہ خزاعہ نسل اندر نسل و تا زمان حلیل بن حبشہ تداوم داشت. مدت رھبری خزاعہ بر مکہ بنا بر قولی پانصد سال و بہ روایتی دیگر سیصد سال بہ طول انجامید است. در طی سلطہ خزاعہ بر مکہ بت پرستی توسط عمرو بن لحي در مکه ترویج شد و جای آیین ابراهیمی را گرفت. شاید انی امر نتیجہ از دست رفتن تولیت و سرپرستی امور مکہ و بیت الحرام از دست فرزندان اسماعیل توسط شیوخ خزاعہ بودہ است. زیرا بر طبق روایات منابع در این دورہ نوادگان اسماعیل قدرت و اعتبارشان رو بہ کاستی نہاد و انسجام خود را از دست دادند

شیوخیت قبیلہ خزاعہ

حلیل بن حبشہ

## ۳- سکونت قریش در مکه

- واژه قریش به معانی: تجمع کردن، حضور کردن؛ جمع کردن کسب کردن محل کسب و کار و تجارت و کوسه ماهی به کار رفته است. در مورد وجه تسمیه آن نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی قریش را لقب نصر بن کنانه دانسته اند و برخی دیگر آن را بر فهر بن مالک بن نصر بن کنانه اطلاق کرده اند.

لقب نصر بن کنانه

- بر طبق روایات بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) در سومین سفرش از فلسطین به مکه و به دستور خداوند متعال انجام گرفته است. هر چند برخی از روایات، طبق گزارشی داستان گونه بنای کعبه را به حضرت آدم (ع) و یا شیث بن آدم نسبت داده اند.

● زندگی اسماعیل در مکه توام با افسانه توصیف شده است و در مورد فرزندان اسماعیل و اساسی آنها گزارش های متفاوتی است. ازرقی گوید: اسماعیل در مکه صد و سی سال عمر کرده و چون در حجر در کنار مادرش باقی شده است. پس از رحلت اسماعیل، نابت و یا به روایت دیگر فیدار پسر اسماعیل عهده دار سرپرستی امور کعبه شد. برخی از فرزندان اسماعیل برای جست و جوی آب و زمین از مکه خارج شدند و برخی که کم سن و سال تر بودند در کنار حرم باقی ماندند. پس از درگذشت نابت مضاض بن عمرو جرهمی، پدر بزرگش مادری نابت سرپرستی امور مکه را در دست گرفت.

• در این زمان به نظر می رسد علاوه بر فرزندان اسماعیل و قبیله جرهم، قبیله قطورا که از عمالقه بودند، نیز در مکه حضور داشتند، زیرا طبق روایات مضاض بن عمرو جرهمی، در جدال و ستیزی که با عمالقه داشت توانست با شکست دادن آنها، عمالقه را از مکه بیرون براند. بنابر گفته ازرقی جرهمیان در منطقه بالای مکه (معلات) و کنار کوه قمیفغان ساکن بودند و قطورا (عمالقه) در منطقه پایین مکه (مسقلبه اجیاد) اسکان داشتند

جرهمیان در منطقه بالای مکه  
(معلات)

قطورا (عمالقه) در منطقه پایین  
مکه (مسقلبه اجیاد)

- ازرقی در گزارشی دیگر به نقل از ابن اسحاق می نویسد: “...و چون سرزمین مکه برای ایشان (فرزندان اسماعیل و جرهمی ها) تنگ شد در اطراف پراکنده شدند و برای امرار معاش به نقاط مختلف رفتند” تاریخ فرزندان در مکه از مرگ نابت تا عدنان بسیار آشفته است. نسب شناسان در باب تعداد فرزندان میان عدنان و اسماعیل اختلاف نظر بسیاری داشتند. حتی تاریخ زندگی عدنان نیز آشفته و آمیخته به افسانه و اسطوره است. (پیرمردیان و عزتی، ۱۳۹۲)

	<b>مرگ نابت تا عدنان</b>



سلسله انساب پیامبر را بعد از عدنان آغاز می کنند. بنا بر اخبار و روایات معد پسر عدنان که پس از حمله بخت النصر به عربستان به فلسطین فرار کرده بود. پس از باخبر شدن از مرگ بخت النصر همراه پیامبران بنی اسرائیل ارمیا و برخیا، به مکه بازگشت و در آنجا بنی اعمام خویش را پیدا کرد. معد در مکه با معانه دختر جوشم بن جلهمه جرهمی ازدواج کرد که از این وصلت نزار به دنیا آمد. عدنان پسر دیگری به نام عک داشت و بنابر روایات پس از مرگ عدنان اسماعیلیان به دو شاخه بزرگ معد و عک تقسیم شدند قبایل عک که در جنوب سرزمین معد بودند به یمن رفتند و به یمنی ها پیوستند.

**دو شاخه بزرگ معد و عک**

• اما نزار بن معد که رسول خدا (ص) از آن تیره است در مکه باقی ماند و چهار پسر دیگر از وی بر جای ماند، مصر، ایاد، ربیعہ، انمار. برخی نوشته اند که فرزندان خالص و مهم اسماعیل مضر و ربیعہ هستند. بنابر گزارش ابن خلدون، بنی مضر بن مزار ریاست حرم را به عهده گرفتند و بنی ایاد به عراق رفتند و انمار با فرزندان خود خثعم و بحیله راهی سروات شدند و در کنار چاه های بافه فرود آمدند. مضر دو پسر به نام های الیاس و عیلان داشت که پیامبر (ص) از شاخه فرزندان الیاس است.

الیاس و عیلان

• جالب آنکه بنی مخزوم و بنی امیه با هم در مکه هم پیمان بودند و بیشتر اشراف و سران قریش از این دو قبیله برخاستند. ولید بن عمره، ابوجهل و ابوسفیان دو شخصیت بزرگ بنی مخزوم و بنی امیه دوبدند که رهبری و زعامت قریش را در هنگام ظهور اسلام بر عهده داشتند. میزان جمعیت آن چنان مهم و با اهمیت بود که هنگام انتخاب ابوبکر به خلافت از سوی شورای سقیفه، ابوسفیان به علت این که ابوبکر از قبیله ای بی اهمیت و با جمعیت بسیار کم برخاسته است، زبان به اعتراض گشود.

**بنی مخزوم و بنی امیه با هم در مکه هم  
پیمان بودند**

• **این اختلاف در حقیقت به دلیل تفاوت در روشن نسب شناسی است .** به این صورت که مصعب بن عبدالله زبیری با دقت بیشتری به نسب خاندان قریش پرداخته و علاوه بر نام مردان و فرزانشان آنها اسامی همسران و با مادران آنها را نیز ذکر کرده است و از این نظر نسب شناسی وی کامل تر و صحیح تر به نظر می رسد.

• ابن حزم و ابن کلبی نیز در برخی موارد اسامی مادران قریش را بر شمرده اند ولی مانند ابن زبیر دقیق و کامل به نظر نمی رسد. به همین جهت در شماره اعضای خاندان قریش فقط تعداد مردان و فرزندان (پسر و دختر) آنها را بر شمرده ایم. درباره کتاب نسب ابن سلام نیز به نظر می رسد وی آن دسته از اعضای خاندان های قریش را نام برده که در زمان حیات پیامبر و یا نزدیک ظهور اسلام می زیستند و از این رو ملاحظه می کنیم که کمترین تعداد اعضای قریش بر کتاب النسب شمارش شده است.

**اسامی مادران قریش**

• از سوی دیگر آمار جمعیت کتاب النسب ابن کلبی، ابن حزم و مصعب بن عبدالله مربوط به چندین نسل از خاندان قریش می باشد و به طور طبیعی همه آنها نمی توانستند در یک زمان زنده باشند و در میان آنها مرگ و میر وجود داشته است.

• البته خانواده های قریش به یوزّه افراد ثروتمند و اشراف قریش هر یک دارای برده کنیز و هم پیمانان نیز بوده اند که در منابع انساب از آنها ذکری به میان نیامده و اسامی برخی از آنها در کتب دیگر تاریخی ثبت شده است افرادی چون یاسر، سمیه، عمار، صهیب رومی، بلال حبشی و ... جز همین گروه به شمار می آمدند با وجود این با دقت در منابع و تعداد کم خانواده های اشراف، نمی توان جمعیت گروه فوق را بیش از ۵۰ نفر دانست و با در نظر گرفتن ملاحظات یاد شده **جمعیت قریش در مکه هنگام ظهور پیامبر در حالت بسیار خوش بینانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر تخمین زده می شود.**

• پس اگر روایت ازرقی را در مورد کمی جمعیت مکه قبل از آمدن قریش به مکه بپذیریم جمعیت مکه را نمی توان بیش از ۱۰۰۰۰ نفر برآورد کرد. با مطالعه و بررسی آمار جمعیت به نکات قابل توجه و با اهمیت دست خواهیم یافت. یکی از این نکات مهم میزان پیوند خویشاوندی قریش با قبایل دیگر ساکن جزیره العرب چه داخل مکه و چه در خارج آن جا است و نشان دهنده ارتباط و نزدیکی قریش با قبایل دیگر می باشد. در این مورد کتاب مصعب بن عبدالله زبیری که نام مادران و همسران قریش را ذکر کرده حایز اهمیت است.

**کتاب مصعب بن عبدالله زبیری**

نام مادران و همسران قریش



- مناصب بین فرزندان وی تقسیم گردید هر چند رهبری قریش بعد از قصی دچار بحران شد و از آن پس کسی مانند قصی هرگز نتوانست بر مکه ریاست داشته باشد.
- اما یک از مسائل مهمی که گریبان گیر خاندان قریش از همان زمان قصی بود کمبود آب در مکه بود که با گذشت زمان و بیشتر شدن خاندان قریش نمایان می شد. بنابر گزارش ازرقی در زمان قصی، مردم مکه {قریش} همچون نیاکان خود از آب آبگیر های کوه و جاده هایی که در بیرون مکه بود استفاده می کردند و این وضع تا زمان نوادگان قصی ادامه داشت تا این که شماره ساکنان آنجا زیاد، آب برای آن ها کم و زندگی دشوار شد

**رهبری قریش بعد از  
قصی دچار بحران شد**

• آغاز که اسماعیل است شروع و در دو جهت افقی و عمودی در حال رشد است بنابراین شما لازم است در میان منابع، خاندان های قریش را برشمردیم و از میان آنها قریش ظواهر و قریش بطحاء را از هم تمییز دهیم در منابع در مورد تعداد بطون قریش اختلاف هستند. خلیفه بن خیاط آنها را در ۱۶ بطن ابن حزم ۱۸ بطن ابن سلام ۱۶ بطن و مصعب بن زبیر ۱۷ بطن ذکر کرده اند در این میان یعقوبی ذیل واقعه انذار کمترین تعداد یعنی ۱۲ بطن را ذکر کرده و مسعودی بیشترین تعداد یعنی حدود ۲۵ بطن از قریش را یادآور شده است.

**قریش ظواهر و قریش بطحاء**

• البته با دقت در منابع اصلی در می یابیم که این اختلاف ها بیشتر رد تقسیم بندی تیروهای قری شاست. به طور نمونه برخی بنی هاشم را یک بطن و برخی دیگر آن را شامل چندین بطئی ، بنوعباس، بنوطالب، بنی ابی لهب و ... می دانند. بنابراین در مجموع می توان بطون اصل یقریش را بدین ترتیب برشمرد بنی هاشم بنی امیه و برادرانش، بنی مطلب بنی نوفل بن عبدمناف بنی اسد بن عبدالعزی، بنی عبدالدار بن قصی ، بنی زهره بن کلاب، بنی بد ب قصی، بنی تیم بن مره بنی محزوم، بنی عدی بن کعب بنی جمع، بنی زهره بن کلاب، بنی عبد بن قصی، بنی تیم بن مره بنی محزوم ، بنی عدی بن کعب بنی جمع، بنی سهم، بنی عامر بن لوی، بنی حارث بن فهر ، بنی محارب بن فهر،

● قبلا اشاره شد که در بین بطون اصلی قریش، بنی حارث بن فهر و بنی محارب بن فهر جزء آن دسته از نیرهای قریش بودند که در اطراف مکه باقی ماندند و به همین جهت قریش ظواهر نامیده شدند. همچنین برخی عشیره های منشعب از این بطن یا در ظواهر مکه ماندند (مانند تیم بن غالب) یا به نواحی دیگر رفتند (مانند سامه بن لوی بن غالب بن فهر) و یا منقرض شدند (مانند قیس بن فهر) در مورد بنی عامر بن لوی بن منابع انساب و منابع دیگر اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر منابع انساب آنها را جزء قریش بطحاء آورده اند و یا برخی از تیره های آن را جزء قریش ظواهر دانسته اند ولی منابع دیگر، همه بنی عامر بن لوی را جزء قریش ظواهر ذکر کرده اند.

### عشیره های منشعب

● با در نظر گرفتن جوانب مختلف و در مجموع می توان بطون قریش بطحاء را چنین بر شمرد:

- ۱- بنی هاشم ۲- بنی امیه ۳- بنی مطلب بن عبد مناف ۴- بنی نوفل بن عبد مناف ۵- بنی اسد بن عبدالعزی ۶- بنی عبدالدار ۷- بنو عبد بن قصی ۸- بنی زهره بن کلاب ۹- بنی تمیم
- بن مره ۱۰- بنی مخزوم بن یقظه ۱۱- بنی عدی بن کعب ۱۲- بنجمح ۱۳- بنی سهم ۱۴

بنی عامر بن انوری بیشتر منابع انساب، نس این خاندان ها را بر شمرده اند ولی در میان آنها کتاب های نسب قریش مصعب بن عبدالله زبیری ، جمهره انساب العرب، ابن حزم، جمهره النسب ابن کلبی و النسب ابن سلام به ترتیب از اهمیت بیشتر و بالاترین در زمینه شجره خاندان قریش برخوردارند به همین جهت مبنای برآورد جمعیت و شماره افراد این خاندان ها را این چهار کتاب قرار دادیم که در جدول مشاهده می کنید.

تحلیل آمار و جمعیت خاندان‌های قریش

نام بطون قریش بطحاء	جمعیت براساس کتاب مصعب بن عبدالله زبیری	جمعیت براساس کتاب ابن حزم	جمعیت براساس کتاب ابن کلبی	جمعیت براساس کتاب الفصیح ابن سلام
۱. بنی هاشم	۴۲	۶۸	۵۸	۲۴
۲. بنی أمیه	۱۷۰	۱۲۰	۷۶	۴۹
۳. بنی مطلب بن عبد مناف	۳۵	۳۲	۲۵	۱۴
۴. بنی نوفل بن عبد مناف	۲۶	۱۸	۱۲	۱۰
۵. بنی أسد بن عبدالمطلب	۶۳	۴۶	۴۲	۲۰
۶. بنی عبدالدار بن قصی	۶۶	۴۷	۴۳	۲۹
۷. بنی عبد بن قصی	۷	۵	۵	ذکر تکرده
۸. بنی زهره بن کلاب	۴۱	۳۵	۲۸	۲۵
۹. بنی تیم بن مره	۳۹	۲۷	۱۶	۱۴
۱۰. بنی مخزوم بن یقطه بن کلّاه	۱۸۷	۶۶	۹۵	۶۶
۱۱. بنی عدی بن کعب	۱۲۱	۴۳	۸۷	۶
۱۲. بنی جمح	۸۴	۵۲	۳۴	۱۳
۱۳. بنی سہم	۷۲	۴۶	۴۸	۸
۱۴. بنی عامر بن لوی	۱۶۱	۷۰	۱۱۸	۱۴
جمع کل	۱۱۱۸ نفر	۶۷۵ نفر	۶۸۷ نفر	۳۰۲ نفر

- سعد ابی وقاص در شمار آخرین فرد از اعضای خاندان های خودش قرار دارند. با ملاحظه آما چهار کتاب نسب شناسی متوجه خواهیم شد که آمار ابن حزم و ابن کلبی بسیار به هم نزدیکتر است و آمار مصعب بن عدالله زبیری تقریبا دو برابر آمار آنان است و بر عکس آن؛ آمار ابن سلام تقریبا نصف مار ابن کلبی و ابن حزم است.
- این اختلاف در حقیقت به دلیل تفاوت در روش نسب شناسی است. به این صورت که مصعب بن عبدالله زبیری با دقت بیشتری به نسب خاندان قریش پرداخته و علاوه بر نام مردان و فرزندان آنها اسامی همسران و یا مادران آنها را نیز ذکر کرده است و از این نظر نسب شناسی وی کامل تر و صحیح تر به نظر می رسد.

• ابن حزم و ابن کلبی نیز در برخی موارد اسامی مادران مردان قریش را برشمرده اند ولی مانند ابن زبیر دقیق و کامل به نظر نمی رسد. به همین جهت در شماره اعضای خاندان قریش فقط تعداد مردان و فرزندان (پسر و دختر) آنها را برشمرده ایم. درباره کتاب نسب ابن سلام نیز به نظر می رسد وی آن دسته از اعضای خاندان های قریش را نام برده که در میزان حیات پیامبر و با نزدیک ظهور اسلام می زیستند و از این رو ملاحظه می کنیم که کمترین تعداد اعضای قریش در کتاب النسب شمارش شده است.

ابن حزم و ابن کلبی

اسامی مادران مردان قریش



• از سوی دیگر آمار معین کتب انساب ابن کلبی، ابن حزم و مصعب بن عبدالله مربوط به چندین نسل از خاندان قریش می باشد و به طور طبیعی همه آنها نمی توانستند در یک زمان زنده باشند و در میان آنها مرگ و میر وجود داشته است. البته خانواده های قریش به ویژه افراد ثروتمند و اشراف قریش هر یک دارای برده ، کنیز و هم پیمانانی نیز بوده اند که در منابع انساب از آنها ذکری به مین نیامده و اسامی برخی از آنها در کتب دیگر تاریخی ثبت شده سات. افرادی چون یاسر، سمیه، عمار، صهیب رومی، بلال حبشی و ... جز همین گروه به شمار می آمدند

**کتب انساب ابن کلبی، ابن حزم و مصعب بن عبدالله**

- با وجود این با دقت در منابع و تعداد کم خانواده های اشراف نمای توان جمعیت گروه به شمار می آمدند با وجود این با دقت در منابع و تعداد کم خانواده های اشراف نمی توان جمعیت گروه فوق را بیش از ۵ نفر دانست و **با در نظر گرفتن ملاحظات یاد شده جمعیت قریش در مکه هنگام ظهور پیامبر در حالت بسیار خوش بینانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر تخمین زده می شود.**

• پس اگر روایت ازرقی را در مورد کمی جمعیت مکه قبل از آمدن قریش به مکه بپذیریم، جمعیت مکه را نمی توان بیش از ۱۰۰۰۰ نفر برآورد کرد با مطالعه و بررسی آمار معیت مکه به نکات قابل توجه و با اهمیت دست خواهیم یافت. یکی از این نکات مهم میزان پیوند خویشاوندی قریش با قبایل دیگر ساکن جزیره العرب چه داخل مکه و چه در خارج آنجا است و نشان دهنده ارتباط و نزدیکی قریش با قبایل دیگر می باشد. در این مورد کتاب مصعب بن عبدالله زبیری که نام مادران و همسران قریش را ذکر کرده حایز اهمیت است.

کتاب مصعب بن عبدالله زبیری

میزان و تعداد ازدواج‌های صورت گرفته قریش با قبایل دیگر

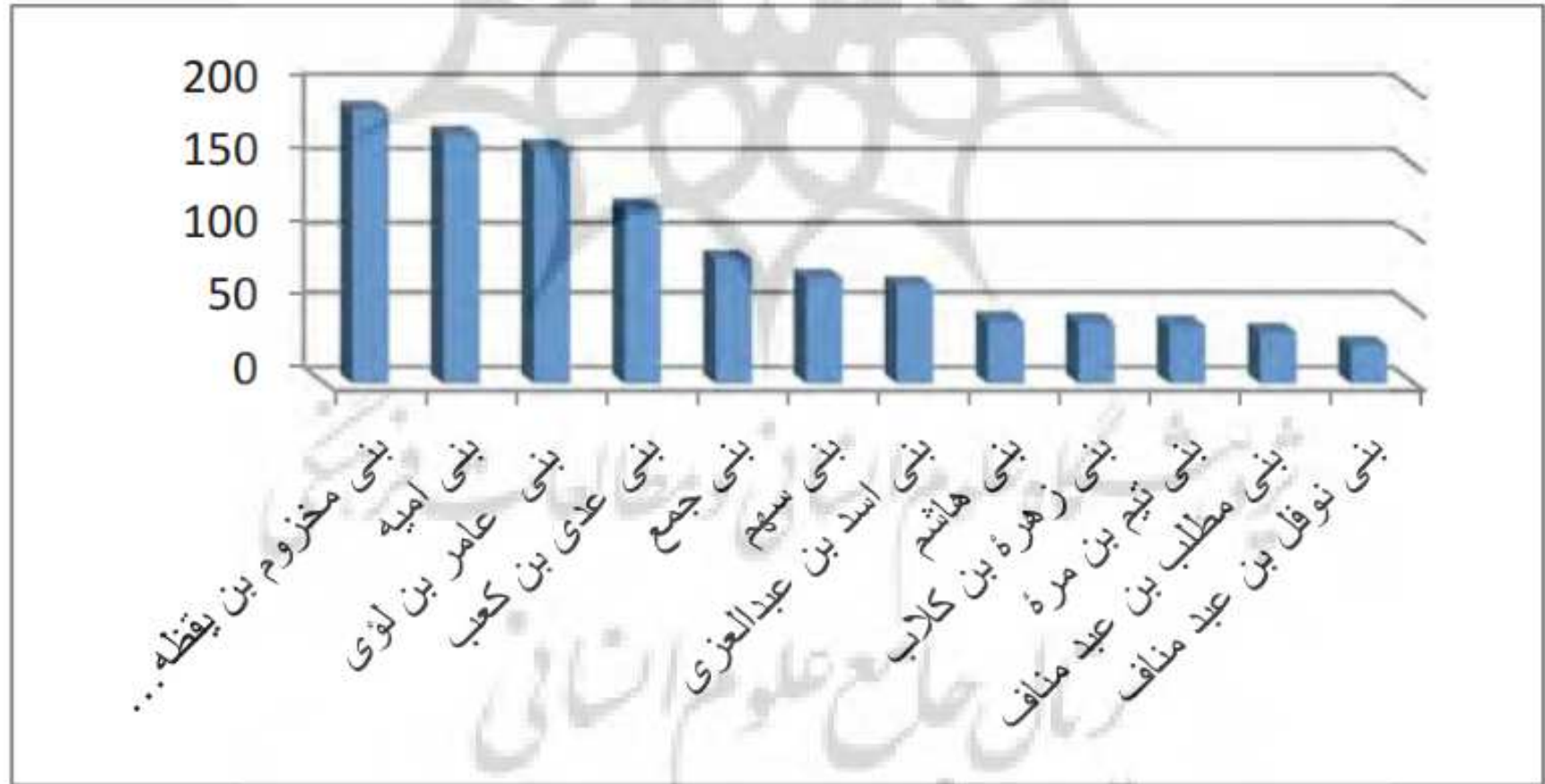
نام قبایل	خُزاعه	ثقیف	بنی‌کنانه	هوازن	کنده	خزرج	قُضاعه
تعداد ازدواج‌های قریش با قبایل دیگر	۲۶	۱۴	۶	۳	۶	۴	۴

● مشاهده می کنید بر اساس نسب مصعب بن عبدالله بیشترین پیوند زناشویی با خزاعه صورت گرفته است. این امر طبیعی به نظر می رسد. زیرا خزاعه هم پیمان قریش و ساکن در مکه بودند و طبیعتاً بیشترین نزدیکی و پیوند با یکدیگر داشتند. در این جدول ثقیف در رده دوم قرار دارد و جالب این که از ۱۳ ازدواج صورت گرفته ۶ ازدواج مربوط به تیره بنی امیه است که حاکی از رابطه تنگاتنگ قریش به ویژه خاندان بنی امیه با قبیله ثقیف است که در خارج از مکه و طائف بودند.

بیشترین پیوند زناشویی با خزاعه

• در جامعه قبیله ای عرب، میزان و تعداد اعضای قبیله از اهمیت بالایی برخوردار بود و یکی از علل اصلی قدرت و نفوذ قبیله به شمار می آمد. در جامعه ای که جنگ و زد و خورد در آن زیاد و حاکمیت و قانونی وجود نداشت. گروهی می توانست به حیات و زندگی خویش تداوم بخشد که از حمایت بیشتر افراد و جنگاوران بیشتری بهره می گرفت در این میان قبایلی که تعداد جمعیت آنها کم و اندک بود، تلاش می کردند از طریق سنت های موجود در جامعه قبیله عرب مانند حلف و جوار در پناه قبیله بزرگ و با جمعیت بیشتری قرار بگیرند. از سوی دیگر، قبیله ای که قدرت و نفوذ داشت مایل بود هم پیمانان بیشتری داشته باشد تا در مواقع جنگ و خطر از قدرت بیشتری برخوردار گردد. با نگاه به جدول جمعیت خاندان قریش ملاحظه خواهیم کرد خاندان بنی مخزوم و بنی عامر بن لوی به ترتیب کمی اختلاف دارای بیشترین جمعیت می باشد.

جدول ذیل مربوط به توزیع جمعیت بطون قریش است.



## نتیجه

- آنچه در مورد اهالی مکه در دوره قبل از قصی از اهمیت بسیار برخوردار است نحوه زندگی اجتماعی ساکنان مکه است. از اشارات جسته و گریخته منابع می توان چنین نتیجه گرفت که در دوره عمالقه، جرهمیان و هم چنین خزاعه، ساکنان مکه بدوی و چادرنشین (وبری) زندگی می کردند و هر قبیله و عشیره ای برای حفظ هویت خود در گوشه ای از بطحای مکه به صورت جداگانه و پراکنده زندگی می کرد و از شکل نظام قبیله اش رایج در شبه جزیره عربستان پیروی می کردند.



از اشارات جسته و گریخته



- با غلبه قریش بر مکه توسط قصی جنین به نظر می رسد که تغییرات عمده ای در نحوه اسکان و استقرار اهالی مکه و همچنین شکل و ساختار زندگی اجتماعی آنها رخ داده باشد. اولین اقسام قصی در احداث خانه های ساخته شده از سنگ و گل و چوب آن چنان بزرگ و مهم جلوه کرد که مورد **اعتراض و بهت اعراب** قرار گرفت زیرا آنها تا آن زمان در مکه چنین کاری را تجربه نکرده بودند، بر این اساس می توان گفت شکل زندگی چادرنشینی (وبری) در مکه را عمل قصی تبدیل به زندگی یک جانشینی (مدری) شد. در نتیجه چنین تعبیری نوعی تقسیم کار اجتماعی و ایجاد مناسب و نهادهای اجتماعی مانند تاسیس دارالندوه و برقراری سنت های لوا، رفادت، قیادت و... در مکه شکل گرفتند.

- ساکنان مکه در داخل دره ای که به بطحا شهرت داشت می زیستند. در واقع بطحا در سرزمینی لم یزرع و بی حاصل واقع بود که اطراف کعبه و خانه خدا را در بر می گرفت ویژگی عمده آنجا کمبود آب و میوه غذایی بود که زندگی را برای اهالی آن دشوار می نمود. بدی آب و هوا، گرمای طاقت فرسا، وزش بادهای گرم و کشنده و وقوع سیلاب های ناگهانی عوامل مهم دیگر در میان جمعیت مکه به شمار می رفت:

**بطحا در سرزمینی لم یزرع و بی  
حاصل واقع بود**

- گاهی اوقات در نتیجه اوضاع بد جوی بیماری های واگیری نیز در میان ساکنان به چنان زیاد مکه شیوع می یافت و از میزان جمعیت اهالی آن می کاست در میان عوامل یاد شده کمبود و قلت آب از اهمیت بیشتری برخوردار بود. به طوری که حفر چاه و یافتن آب، فتخاری برای ساکنین و قبایل آنجا محسوب می شد و هر یک از قبایل مکه تلاش می کردد با کندن چاه حیات و زندگی اعضای قبیله را تامین کنند.

اوضاع بد جوی بیماری های واگیر

- بر طبق گفته ازرقی شمار ساکنان مکه قبل از آمدن قریش اندک و ناچیز بوده است اما با ورود قریش به بطحاء و سپس رشد تیره ها و بطون قریش میزان ساکنین مکه در مقایسه با دوره های قبل افزایش قابل توجهی داشته، به طوری که قریش بر اثر افزایش جمعیت در تامین آب با مشکل مواجه می شدند و به گفته یعقوبی برهخی از خاندان قریش ناچار شدند به دره های (شعب) اطراف مکه نقل مکان کنند. تخمین جمعیت مکه اگرچه بسیار دشوار است ولی در این پژوهش تلاش شده با بهره گیری از منابع انساب برآوردی تقریبی ارائه نماییم.

- بر اساس این برآورد و تحلیل داده ها جمعیت قریش ساکن در مکه در حالت خوش بینانه نمی توانسته بیش از ۱۰۰۰ نفر در زمان بعثت پیامبر (ص) فراتر باشد، بررسی آمار خاندان های قریش نشان می دهد که تیره های بنی مخزوم بنی امیه و بنی عامر بن لوی به ترتیب دارای بیشترین میزان جمعیت بوده اند از همین رو طبیعی بود که آنها پس از پذیرش اسلام از روی اکراه در مبارزات سیاسی برای دستیابی هب قدرت سهم بیشتر از آن را طلب نمایند.

بنی مخزوم بنی امیه

بنی عامر بن لوی

منابع

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، بوشهر، موعود اسلام، ج ۳، ۱۳۸۱.
۳. آلوسی، محمد شکری، بلوغ الأرب فی معرفه احوال العرب، قاهره، ۱۹۲۴ م.
۴. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸.
۵. ابن حبان، الثقات، حیدرآباد دکن، مؤسسه الکتب الثقافه، ۱۳۹۳.
۶. ابن حزم اندلسی، جمهره انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۷. ابن خلدون، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

- ٨ ابن دريد، الاشتقاق، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مكتبه المثنى، ١٣٩٩.
- ٩ ابن رسته، الاعلاق النفيسه، ترجمه حسين قره چانلو، تهران، امير كبير، ١٣٦٥.
- ١٠ ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالبيروت للطباعة والنشر، ١٤٠٥ ق.
- ١١ ابن سلام، النسب، تحقيق مريم محمد خير الدرع، بيروت، دارالفكر، ١٤١٠ ق.
- ١٢ ابن عبدربه، العقد الفريد، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٩ ق.
- ١٣ ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، تصحيح على شيرى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق.



١٤. ابن فقيه همداني، ترجمه مختصر كتاب البلدان، ترجمه محمدرضا حكيمي، تهران، بنياد فرهنگ، ١٣٤٩.
١٥. ابن قتيبه، المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، قاهره، مطبعه دارالكتاب، ١٩٦٠ م.
١٦. ابن كثير، البداية والنهاية، بيروت، مكتبة المعارف، ١٩٦٦ م.
١٧. ———، تفسير ابن كثير، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ ق.
١٨. ابن كلبى، الاصنام، ترجمه محمدرضا جلالى نائينى، تهران، نشر نو، ١٣٦٤.
١٩. ———، جمهرة النسب، تحقيق احمد فراج، بى جا، بى تا.
٢٠. ابن منظور، لسان العرب، تحقيق على شيرى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.م.
٢١. ابن هشام، سيرة النبويه، تحقيق مصطفى سقا و ديگران، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٩٨٥ م.
٢٢. ابوالفرج اصفهانى، الاغانى، تحقيق ابراهيم آيارى، بيروت، دارالكتاب اللبنانى، ١٤١١ ق.

٢٢. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، تحقیق ابراهیم آبیاری، بیرون، دارالکتاب اللبنانی، ١٤١١ ق.
٢٣. ابوزید بلخی، البدء و التاريخ، بی جا، ١٩١٦ م.
٢٤. ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ماء فیها الاثر، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ١٣٦٨.
٢٥. اصطخری، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، موقوفات محمود افشار، ١٣٧٣.
٢٦. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، تحقیق محمد حمیدالله، بیروت، دارالمعارف، بی تا.
٢٧. جواد، علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٣٨٠.
٢٨. حضراوی، احمد، العقد الثمین فی فضائل البلد الامین، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، بی جا، مكتبة الثقافة الدينية، ١٤٢١ ق.
٢٩. خلیفه بن خیاط، الطبقات، بیروت، دارالفکر، ١٣٩٨.
٣٠. ذهبی، سیرة النبویه، تحقیق حسام الدین القدسی، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ١٤٠٩ ق.
٣١. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالمکتبة الحیاة، ١٣٠٦.
٣٢. زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، تحقیق لیفی بروفنیسال، بی جا، دارالمعارف، للطباعة

۳۳. زرگر نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

۳۴. سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدرنیا، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۰.

۳۵. سهیلی، عبدالرحمان بن عبدالله، الروض الانف فی تفسیر السیره النبویه لابی هشام، بیروت،

٣٦. طبرسى، مجمع البيان، ترجمه ابوالحسن الشعرانى، تهران، كتابفروشى اسلاميه، بى تا.
٣٧. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ طبرى، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دارالتراث، ١٣٧٨.
٣٨. الفاسى المكى، محمد بن احمد، الزهور المقطفه من تاريخ مکه المشرفه، تحقيق على عمر، اسكندريه، مكتبة الثقافة الدينيه، ١٤٢٢ ق.
٣٩. الفاكهى، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فى قديم الدهر و حديثه، تحقيق ابن دهيش، مؤسسہ العالميه التوحيد، ١٤٢٤ ق.
٤٠. قلقشندى، ابوالعباس احمد بن على، صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء، قاهره، ١٩١٤ - ١٩١٣ م.
٤١. ———، نهاية الارب، تحقيق ابراهيم آييارى، بيروت، دارالكتاب، ١٩٩١ م.
٤٢. كحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب القديم والحديثه، بغداد، مطبعه الما، ١٩٤٩ م.
٤٣. مسعودى، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٤٧ - ١٣٤٤.
٤٤. المقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسيم فى معرفه الأقاليم، ترجمه عليقلی منزوى، تهران شركت مؤلفان و مترجمان ايران، ١٣٦١.

۴۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
۴۶. یعقوبی، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
۴۷. ———، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.